

منشاء های روز [اول ماه] مه چه هستند؟^(۱)

ایده ی فرخنده ی به کار بردن یک جشن تعطیل پرولتاری به عنوان وسیله ای برای اکتساب هشت ساعت در روز نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آن جا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات به عنوان تجلی موافق با هشت ساعت در روز سازمان دهی کنند. روز این جشن باید ۲۱ آوریل می شد. در ابتدا، کارگران استرالیایی این را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده های پرولتاری استرالیا بخشید که بر آنان به جای گذارد منجر به تهیج [آزیتاسیون] نوعی گشت که تصمیم گرفته شد جشن را هر سال تکرار کنند.

در حقیقت، چه می توانست به کارگران شهامت و ایمان بیشتری در قدرت خودشان به دهد تا یک توقف کار توده ای که آن ها خودشان آن را انتخاب کرده باشند؟ چه می توانست شهامت بیشتری به بردگان ابدی کارخانه ها و کارگاه ها به دهد تا فراخواندن گردان های خودشان؟ پس ایده ی جشن پرولتاری به سرعت پذیرفته شد، و از استرالیا، آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان پرولتاری را فتح کرد.

نخستین نمونه ای که به دنبال کارگران استرالیایی رفتند، آمریکایی ها بودند. در سال ۱۸۸۶، آن ها تصمیم گرفتند اول [ماه] مه باید روز توقف جهانی کار باشد. در این روز ۲ میلیون نفر از آن ها کارشان را ترک کرده و هشت ساعت در روز را طلب کردند. بعداً، تضییقات پلیسی و قانونی کارگران را

سال ها در تکرار تظاهراتی با این [وسعت] مانع شد. معهذاً در سال ۱۸۸۸ آن ها تصمیم خود را تهدید کرده و مصمم شدند که جشن بعدی در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد.

در این اثناء، جنبش کارگران در اروپا قوی تر و با تحرک تر شده بود. قوی ترین نمود این جنبش در کنگره ی کارگران انترناسیونال در ۱۸۸۹ رخ داد. در این کنگره، که چهارصد نماینده حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که هشت ساعت در روز باید نخستین مطالبه باشد. پس از آن، نماینده ی اتحادیه های فرانسه، کارگر لاوین [۲] از بوردو، خواست که این مطالبه در تمام کشورها با یک توقف جهانی کار ابراز شود. نماینده ی کارگران آمریکا توجه را به تصمیم رفقاییش برای اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب کرد، و کنگره این تاریخ را برای جشن جهانی پرولتاری برگزید.

در این مورد، مانند سی سال پیش در استرالیا، کارگران واقعاً فقط یک بار تظاهرات در نظر داشتند. کنگره تصمیم گرفت که کارگران همه ی سرزمین ها با هم دیگر برای هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ تظاهرات به کنند. هیچ کس از تکرار تعطیل برای سال های بعد سخنی نگفت. طبیعتاً هیچ کس نمی توانست طریق برق آسایی را پیش بینی کند که با آن ایده موفق شده و چه به سرعت از طرف طبقات کارگر پذیرفته خواهد شد. معهذاً، جشن گرفتن روز اول [ماه] مه به سادگی یک بار کافی بود، تا این که هر کس به فهمد و حس کند که روز اول [ماه] مه باید یک نهاد سالانه و پیگیر باشد...

اولین [خواست اول ماه] مه پذیرش هشت ساعت در روز مطالبه کرد. ولی حتی پس از رسیدن به این هدف، روز [اول ماه] مه از بین نخواهد رفت. تا زمانی که مبارزه ی کارگر به ضد بورژوازی و طبقه ی حاکم ادامه دارد، تا

زمانی که همه ی مطالبات پذیرفته نشده اند، روز [اول ماه] مه نموده سالانه این مطالبات خواهد بود. و وقتی که روزهای بهتری سر زنند، وقتی که طبقه ی کارگر جهان رستگاریش را به دست آورد- آن گاه هم بشریت احتمالاً روز [اول ماه] مه را به افتخار مبارزات تلخ و رنج های بسیار گذشته جشن خواهد گرفت.

روزا لوکزامبورگ

۱۸۹۴

توضیحات:

- ۱- متن از **Ausgewalte Reden und Schriften, II** برلین: انتشارات دیتز، ۱۹۵۱. متن اصلی در فوریه ۱۸۹۴ به لهستانی در پاریس منتشر شد. ترجمه ی فارسی از انگلیسی "برگزیده آثار روزا لوکزامبورگ" مانتلی رویو، نیویورک، ۱۹۷۱، می باشد.
- ۲- **Lavigne از Bordeau**.

ترجمه: انتشارات سیاهکل، سازمان چریک های فدائی خلق، فروردین ۱۳۵۸.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.eu>

آدرس پستی: **BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK**

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲